



توس دو قرن بعد از سقیفه

امام علی بن موسی (ع) ملقب به رضا در سال 148 ه.ق / 765 م. دیده به جهان گشود و پس از شهادت پدر بزرگوارش در سال 183 ق. عهده‌دار امامت شیعیان شد و تا سال 201 ه.ق در مدینه زندگی کرد و از آن پس برای پذیرش ولایت‌عهده‌ی راهی خراسان شد.

امام علی بن موسی (ع) ملقب به رضا در سال 148 ه.ق / 765 م. دیده به جهان گشود و پس از شهادت پدر بزرگوارش در سال 183 ق. عهده‌دار امامت شیعیان شد و تا سال 201 ه.ق در مدینه زندگی کرد و از آن پس برای پذیرش ولایت‌عهده‌ی راهی خراسان شد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، منطقه ایلام، ولایت‌عهده‌ی امام رضا (ع) مهم‌ترین فصل تاریخی سیاسی زندگی این امام همام است که هدف مأمون از این جریان و موضع امام رضا (ع) در ناکام گذاشتن مأمون در رسیدن به این هدف، مهم‌ترین نکات در این جریان تاریخی به نظر می‌رسد.

مأمون با ظرافت خاصی کوشید تا وانمود کند که در این اقدام خلوص نیت دارد و می‌کوشد تا از سر اعتقاد حق غصب شده ائمه اطهار که ریشه در سقیفه بنی‌ساعده دارد را به آنها پس دهد و با علاقه دست به این کار زده است، اما با دقت در کلمات مأمون و امام رضا (ع) و حتی برخی از اصحاب و شیعیان می‌توان به موضوعاتی روشنگرانه در این خصوص پی برد.

تاریخ به نبوغ سیاسی بالای مأمون گواهی می‌دهد، نبوغی که به واسطه آن تمام موانع خلافت را برداشت و این بار می‌خواست با دادن ولایت‌عهده‌ی به امام رضا (ع) و حتی تعارف توخالی مسند خلافت، به خلافت بنی‌عباس مشروعیت بدهد و از پذیرش این پیشنهاد توسط امام امتیازی بزرگ را برای نهاد خلافت کسب کند.

هدف دیگری که مأمون از دادن ولایت‌عهده‌ی به امام رضا (ع) دنبال می‌کرد کنترل و محدود کردن امام بود و از این طریق می‌خواست جنبه استقلالی عنوان امامت را برای همیشه از بین ببرد یا در لوای خلافت کم‌رنگ کند تا از جریانی سیاسی - مذهبی صرفاً به جریانی مذهبی تبدیل شود.

هدف دیگر مأمون از احضار امام رضا (ع) و دادن مسند ولایت‌عهده‌ی به ایشان این بود که امام را از چشم هواداران بیندازد با این عنوان که امام وقت شیعیان که پدران او تاکنون خلفا را غصب‌کنندگان حق امامت می‌دانستند، ولایت‌عهده‌ی خلیفه وقت را پذیرفته است.

با این اهداف مأمون رجاء ابن ابی‌ضحاک را مأمور آوردن امام به مقر خلافت کرد و وداع جانسوز او با حضرت رسول خود از آینده‌ای حکایت می‌کرد که امام از آن آگاه بود و کسانی که درک درستی از رفتار امام داشتند، می‌دانستند امام به اجبار پا به این سفر می‌گذارد.

بر اساس منابع تاریخی امام شرط پذیرش ولایت‌عهده‌ی را این گونه بیان کرد: «این امر را می‌پذیرم به این شرط که کسی را به کاری نگمارم، کسی را عزل نکنم و رسم و روشی را نقض نکنم و فقط از دور مورد مشورت قرار گیرم.»، این شرط امام در برابر تعارف توخالی مأمون، نشان داد که وضع موجود جامعه که نتیجه دو قرن انحراف فکری و سیاسی خلافت در دوران اموی و عباسی بود و سنگ بنای آن در سقیفه بنیان نهاده شد، برای امام شیعیان قابل قبول نیست.

تولد فرقه‌ای نام واقفیه و آغاز دوران سختی در تاریخ شیعه که مشخصه‌ی عمده‌اش امامت امامان شهرت یافته به «ابن‌الرضا» و سخت‌گیری خلفایی مانند متوکل از مشخصه‌های این زمانه است.